



بازگشت ۳۰ هزار کودک به مدرسه

رضوان حکیمزاده، معاون آموزش ابتدایی اعلام کرد، در دوره ابتدایی نرخ تکرار پایه ۱۴ صدم درصد بهبودیافته و تعداد هنرستان‌های‌های حرفه‌ای و کار دانش عشایری از ۱۰۵ به ۱۱۹ رسیده و در راستای عدالت آموزشی، سال گذشته ۳۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل به چرخه آموزش بازگشتند. به گزارش ایسنا، حکیمزاده با اشاره به نرخ پوشش تحصیلی دوره ابتدایی گفت: «نرخ پوشش تحصیلی دوره ابتدایی ۹۷/۹۵ درصد، نرخ ارتقاء ۹۶/۸۴ درصد، نرخ جذب خالص ۹۶/۱۱ درصد، نرخ تکرار پایه ۱/۸۷ درصد و نرخ ترک تحصیل ۱/۴۳ درصد ثبت شده است.» به گفته او تعداد دانش آموزان پیش ثبت‌نام شده، یک میلیون و ۲۴۴ هزار و ۸۰۵ نفر و تعداد دانش آموزان ثبت‌نام قطعی شده، یک میلیون و ۴۲۸ هزار و ۵۸۳ نفر است و تفاضل پیش‌ثبت‌نام با ثبت‌نام قطعی ۱/۳ درصد است که پیش‌بینی می‌شود در روزهای آتی تکمیل شود. او درباره تعداد معلمان و کلاس‌ها درس گفت: «تعداد کل آموزگاران، ۲۴۰ هزار و ۴۳۹ نفر است. تعداد کلاس‌های با بیش از ۴۰ دانش آموز، ۶ هزار و ۴۷ کلاس است که معادل ۱۱/۹۶ درصد از کل کلاس‌ها را تشکیل می‌دهد. همچنین ۱۰ هزار و ۸۸۹ مدرسه دولتی با تعداد یک تا ۱۰ دانش آموز وجود دارد.»



۹۷ درصد مددجویان در ۳ دهک اول

علی صادقی دایو، مدیرکل خدمات مددکاری کمیته امداد اعلام کرد که از میان چهار میلیون و ۴۸۷ هزار و ۵۰۰ نفر مددجوی تحت پوشش کمیته امداد، بیش از ۹۷ درصد در سه دهک اول درآمدی کشور جای می‌گیرند و تنها تعداد اندکی از مددجویان در دهک‌های بالاتر از پنج قرار دارند. صادقی دایو در گفت‌وگو با ایسنا، درباره وضعیت این مددجویان گفت: «اطلاعات تراکنش‌های مالی افراد به‌مدلیل اشتراک حساب با فرزندان یا افراد دیگر، موجب قرار گرفتن آن‌ها در دهک‌های بالاتر شده است، اما این افراد فاقد درآمد پایدار بوده و در واقع نیازمندند و مددکاران با دقت و بررسی میدانی، پس از اطمینان از شرایط واقعی، این افراد را تحت پوشش قرار می‌دهند.» او در پاسخ به سؤالی درباره حذف یارانه بر برخی خانوارهای پردرآمد در مردادماه، براساس سرانه هزینه‌خوار، گفت: «پس از اجرای این مرحله از سوی وزارت رفاه، کمیته امداد باید بررسی کند کدامیک از مددجویان مشمول این طرح شده‌اند و پیگیری‌های لازم برای مستثنی کردن افراد واجد شرایط انجام می‌شود. این فرآیند به‌تازگی آغاز شده و همچنان ادامه دارد.»



صدور کيفرخواست قاتل محيط‌بان گلستان

جواد میردوستی، دادستان عمومی و انقلاب کلاله، از صدور کيفرخواست برای پرونده قتل محيط‌بان پارک ملی گلستان خبر داد. به گزارش ایسنا، محيط‌بانان پارک ملی گلستان، اردیبهشت‌ماه امسال حین گشت‌زنی در منطقه با گروهی از شکارچیان غیرمجاز مواجه شدند که در پی تیراندازی از سوی شکارچیان، محيط‌بانان کاظم (باسر) مصدق، هدف گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید. میردوستی در ادامه گفت: «متهم بلافاصله شناسایی و دستگیر شد و پس از بررسی ویژه پرونده در دادسرای شهرستان کلاله، کيفرخواست متهم، صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کيفری یک مستقر در گنبد کاووس، ارسال شد.»

اوبه «هم‌میهن» می‌گوید، حضور یک زن سودانی در عرصه سیاسی به‌طور اجتناب‌ناپذیری با کار روی حقوق زنان گره می‌خورد؛ او ییادآور می‌شود که در دوران رژیم «عمرالبشیر» و قوانین نظم عمومی، زنان فعال و سیاسی مستقیماً هدف قرار می‌گرفتند. کافی بود زنی صریح و سیاسی باشد تا به هدفی آشکار بدل شود. دالیا از تجربه‌های شخصی خود می‌گوید: «به زنان صرفاً شعار داده می‌شود اما هیچ‌وقت جایگاهی واقعی بر سر میز تصمیم‌گیری نداریم. این در حالی است که زنان سودان همیشه سیاسی بوده‌اند، در تمام انقلاب‌ها در خط‌مقدم ایستاده‌اند و صدای تغییر بوده‌اند. اما هر زمان تغییری رخ داده، دوباره به‌حاشیه رانده شده‌ایم.» او می‌گوید: «از نظر سیاسی، زنان همچنان به‌حاشیه رانده می‌شوند، هرچند تلاش‌هایی برای گنجاندن آن‌ها در مذاکرات وجود دارد. اما از نظر اجتماعی، بیشترین آسیب را دیده‌اند: از خشونت و قحطی گرفته تا تجاوز، جرائم جنسی و آوارگی.»

عبدالمنعم تأکید می‌کند که خشونت‌های جنسی در سودان هرگز متوقف نشده‌اند. به گفته او، آنچه ثبت می‌شود تنها نوک کوه یخ است: «هربار که روستایی از کنترل RSF خارج می‌شود، گزارش‌های خشونت جنسی منتشر می‌شود و هر بار که آن‌ها منطقه‌ای را تصرف می‌کنند، موارد تجاوز افزایش می‌یابد.» این خشونت‌ها معمولاً در قالب تجاوزهای گروهی، ازدواج اجباری و بردگی جنسی رخ می‌دهند اما امکان حمایت بسیار محدود است: «مراکز درمانی تخریب‌شده یا تعطیل‌اند، کیت‌های پزشکی تجاوز ناپود شده و قربانیان به داروهای حیاتی دسترسی ندارند. علاوه بر این، انگ اجتماعی مانع می‌شود بسیاری از زنان، موارد تجاوز را گزارش دهند.»

▼ از مقاومت تا اتاق‌های پاسخ اضطراری

با تمام رنج‌هایی که زنان سودانی با آن مواجهند، واکنش فعالان و فمینیست‌های سودانی الهام‌بخش بوده و سازمان‌های زن‌محور و داوطلبان زن، ستون فقرات بقا در جامعه‌اند. آن‌ها با منابع اندک، در خط‌مقدم ایستاده‌اند و به نیازهای زنان پاسخ می‌دهند، اما به‌شدت نیازمند حمایت مستقیم و پایدار برای ادامه این تلاش‌هايند. فعالان به‌ویژه نسل جوانی که انقلاب دسامبر ۲۰۱۸ را رهبری کردند، با مداخله فوری و مردمی واکنش نشان می‌دهند. کمیته‌های مقاومت پس از گسترش جنگ به سازمان‌های مردمی وسیع‌تری به‌نام «اتاق‌های اضطراری» تبدیل شده‌اند. اما حل بحران خشونت جنسی تنها با کمک‌های بشردوستانه ممکن نیست. به گفته فعالان زنی که با «هم‌میهن» گفت‌وگو کرده‌اند، مقیاس عظیم جرائم جنسی، نیازمند تدوین یک قرارداد اجتماعی جدید است تا ننگ و سرزنش از دوش بازماندگان برداشته شود. آن‌ها می‌گویند، باید با نهادهای به‌ویژه رهبری دینی و سنتی وارد گفت‌وگو شوند و گفت‌مان عمومی ایجاد کنند که بازمانده را به‌عنوان قربانی جنایتی بزرگ معرفی کند. کودکان متولدشده از تجاوز نیز باید فضایی از کرامت و ارزش انسانی در جامعه داشته باشند. «تجلاء التوم» دراین باره می‌گوید: «زبان فمینیسم لیبرالی کافی نیست، ما به زبان جدیدی نیاز داریم؛ زبانی که فعالان تحصیل‌کرده بتوانند موثر با جوامع خود در روستاهای جزیره و سنار وارد تعامل شوند. کار واقعی و دشوار در همان گفت‌وگوهای آرام و شجاعانه درون جوامع در حال انجام است و تمرکز ما باید آنجا باشد.»

«موزان النیل» درباره شکل وقوع این خشونت‌ها و امکان حمایت از بازماندگان می‌گوید: «بسیاری از «اتاق‌های وضعیت اضطراری» ــ که پس از جنگ ۲۰۲۳ به‌عنوان ساختارهای مردمی برای کمک متقابل ایجاد شدند ــ سیستم‌هایی برای حمایت از قربانیان خشونت جنسیتی راه‌اندازی کرده‌اند.»

به باور او، «اتاق‌های اضطراری» مهم‌ترین شکل واکنش موثر در برابر خشونت‌ها هستند، اما هم‌زمان نقدی جدی به بخشی از فعالان و روشنفکران دارد: «بخش بزرگی از فعالان و روشنفکرانی که خود را فمینیست یا انقلابی می‌دانند، مواضعی واپس‌گرا و متمایل به دولت یا طرف‌های درگیر جنگ اتخاذ کرده‌اند؛ آن‌ها هم با این توجیه که شرایط جنگ نیازمند حمایت از دولت یا نیروهای واکنش سریع (RSF) برای بازگشت به وضعیت عادی است.» او درباره نوع حمایت بین‌المللی یا رسانه‌ای موثر هم توضیح می‌دهد: «به‌باور من، بدون یک جبهه انقلابی ضد جنگ قدرتمند در داخل سودان، کار چندانی از بیرون بر نمی‌آید. بااین حال پوشش رسانه‌ای که بی‌عدالتی‌های تحمیل‌شده بر مردم سودان را در چارچوب الگوهایی نشان دهد که پیش از جنگ هم وجود داشته‌اند، می‌تواند مفید باشد. چنین رویکردی فضای سوءاستفاده طرف‌های درگیر جنگ را برای گروه‌گان گرفتن افکار عمومی درازای امنیت و بازگشت به «وضع عادی» محدود خواهد کرد.»

«دالیا عبدالمنعم» هم از شجاعت فعالان زن می‌گوید: «کاری که آن‌ها انجام می‌دهند معجزه‌آساست. در محیطی پرخطر و سرشار از آزار، بازداشت و نبود امکانات پزشکی و روانی، همچنان ادامه می‌دهند.» او بر اهمیت حمایت جهانی تأکید می‌کند: «باید همچنان درباره اقدام‌شود و صحبت کرد، باید از جامعه جهانی مطالبه اقدام‌شود و عاملان خشونت علیه زنان پاسخگو شوند. این جنگ بیش از دو سال است که نادیده گرفته شده و فاجعه انسانی هرروز عمیق‌تر می‌شود.»

وابسته به نظام‌های کمک‌رسانی شکسته یا غایب می‌کند، درحالی‌که در معرض خشونت فراگیرند.» او ویرانی کامل امنیت فردی و جمعی را این گونه توضیح می‌دهد: «زنان زیر تهدید دائمی سوءاستفاده‌ی جسمی و روانی، تجاوز و خشونت جنسی زندگی می‌کنند؛ نه‌فقط از جانب RSF، بلکه از طرف SAF و جناح‌های وابسته. این وضعیت وحشت‌ناک، جنگی روانی علیه بدن و روح زنانه است و تجربه بنیادی زن‌بودن در سودان را دگرگون کرده است. وحشت‌های جرائم جنسی ۲۰۰۳ در دارفور هنوز در هوا معلق‌اند و عدالت و پاسخگویی می‌طلبند.»

این میان بار مراقبتی زنان به‌شدت افزایش یافته است، با پراکندگی خانواده‌ها و کشته یا سرباز شدن مردان، زنان اکنون به‌تنهایی مسئول بقا هستند؛ مدیریت سرپناه اندک، تقسیم چیره‌های ناچیز غذا، تأمین آب و هیزم، مراقبت از کودکان، بیماران و سالمندان، همه بدون هیچ دسترسی به خدمات بهداشتی. بااین حال به گفته تجلاء، زنان به‌معماران بزرگ‌ترین شبکه ایمنی اجتماعی سودان تبدیل شده‌اند. بسیاری از آوارگان داخلی در خانه‌های بستگان در مناطق روستایی پناه گرفته‌اند و این «میزبانی اجتماعی» عمدتاً توسط زنان، سازماندهی و مدیریت می‌شود: «جایگاه زنان به‌شکلی پیچیده تغییر کرده، هم هدف استراتژی نظامی بی‌رحمانه‌اند و هم مهندسان تاب‌آوری جمعی.»

خشونت جنسیتی و جنسی در طول جنگ نتها افزایش یافته، بلکه به ویژگی نظام‌مند و استراتژیک این جنگ تبدیل شده است، عمدتاً توسط RSF. به گفته تجلاء، این خشونت محصول جانبی جنگ نیست، بلکه سلاحی حساب‌شده برای ارباب و تنبیه جوامع است: «سازمان ملل موارد بی‌شماری را تأیید کرده، اما ابعاد واقعی خشونت به‌دلیل گزارش‌نشدن گسترده غیرقابل تصور است. بازماندگان با دیواری از مصونیت، انگ اجتماعی عمیق و فریاد بی‌تقریباً کامل نظام‌های بهداشتی و حقوقی مواجه‌اند. تجاوزهای جمعی اغلب همراه با دشنام‌های قومی رخ می‌دهند و زنان در خانه‌ها، مسیر فرار و حتی بیمارستان‌ها هدف قرار می‌گیرند. جهان باید این کارزار ترور جنسی را همان گونه که هست، بشناسد و اقدام فوری و قاطع بین‌المللی انجام دهد.»

▼ جنگ، فقر و تبعیض

«موزان النیل»، نویسنده سوسیالیست و فعال اجتماعی، در جریان انقلاب دسامبر ۲۰۱۸ و سال‌های پس از آن در سودان به‌عنوان نویسنده و سخنران عمومی فعال بوده و با کمیته‌های مقاومت و سایر نهادهای مردمی همکاری داشته است. او که یکی از فعالان پرتلاش و همیشه حاضر در اعتراضات است، در راهپیمایی فمینیستی سودان در سال ۲۰۲۲ شرکت کرده و سال‌هاست که به‌عنوان پژوهشگر بر مسئله به‌حاشیه‌راندگی اقتصادی و حقوق اقتصادی زنان کارگر تمرکز دارد. «موزان» از تجربه‌های شخصی خود در سودان به «هم‌میهن» می‌گوید: «چندین بار حضور عمومی من واکنش‌های زن‌ستیزانه برانگیخت. همچنین در نهادهای سیاسی که مدتی کوتاه به آن‌ها پیوسته بودم، با رفتارهای زن‌ستیزانه مواجه شدم. بااین حال امتیازهای اجتماعی و اقتصادی‌ام تا حد زیادی مرا از شدیدترین اشکال خشونت و جرائم علیه زنان مصون نگه داشت. این تجربه باعث شد به اهمیت ابعاد اقتصادی در تحلیل جرائم علیه زنان، توجه ویژه‌ای پیدا کنم.»

به باور «موزان النیل»، تأثیر جنگ بر زندگی زنان، بسته به پیشینه اجتماعی-اقتصادی آنان متفاوت است: «زنان مناطق حاشیه‌ای یا گروه‌های به‌حاشیه رانده‌شده با تشدید به‌حاشیه‌رانی تاریخی، خشونت، جنگ و آوارگی روبه‌رو هستند. صاحبان قدرت هم با بهره‌گیری از روایت‌های جنگی، سرکوب این زنان را توجیه می‌کنند؛ برای نمونه، جرم‌انگاری دست‌فروشان زن چای و غذا و معرفی آن‌ها به‌عنوان خائن و قربانی خشم گروه‌هایی که برای نخستین بار جنگ را تجربه می‌کنند. در مقابل، زنان طبقه متوسط و مناطق مرکزی و مرفه سودان، اغلب برای نخستین بار مستقیماً با خطرات جنگ، تهدید جان، از دست‌دادن دارایی و درآمد مواجه شده‌اند.» او توضیح می‌دهد که جنگ بر نقش‌ها و جایگاه اجتماعی زنان سودانی اثر گذاشته است: «در میان طبقه متوسط و بالای متوسط، می‌توان دید که زنان به نان‌آور اصلی بسیاری از خانواده‌ها تبدیل شده‌اند، درحالی‌که مردان برای سازگاری با شرایط جدید دچار مشکل هستند. بااین حال برتری اجتماعی مردان همچنان حفظ شده است.» «موزان النیل» معتقد است که خشونت‌های جنسیتی یا جنسی در دوران جنگ افزایش یافته است؛ «بله. این الگو در همه جنگ‌های سودان تکرار شده است.»

▼ زنان انقلابی، زنان قربانی

«دالیا عبدالمنعم»، فعال مدنی سودانی، اکنون در قاهره مصر زندگی می‌کند؛ جایی که پس از آغاز جنگ ناگزیر به مهاجرت به آنجا شد. او سال‌ها در حوزه حمایت‌گری و تحلیل مسائل سودان فعالیت کرده و از سال ۲۰۱۱ در جنبش‌های سیاسی جوانان، حضوری پررنگ داشته و تمرکز اصلی فعالیت‌هایش بر آگاهی سیاسی و مشارکت اجتماعی بوده است.



«سُدیا الرشید علی حمید»، فعال سودانی و مؤسس سازمان Hope and Haven Refugees که در اردوگاه «آدره» در مرز میان چاد و سودان کار می‌کند و «تجلاء التوم»، شاعر و کنشگر سودانی و «دالیا عبدالمنعم»، فمینیست و فعال مدنی سودانی به «هم‌میهن» می‌گویند که تجاوز، تجاوز گروهی، ازدواج اجباری و به

بردگی گرفتن زنان توسط RSF اقدامی حساب‌شده است؛ ابزاری سیاسی و فرهنگی برای تحقیر مردان، بازتثبیت نقش‌های جنسیتی و ساکت کردن زنان از طریق شرم. آنها شهادت‌های بی‌شماری از تجاوز، تجاوز گروهی و برده‌داری جنسی به‌عنوان ابزار جنگ دریافت کرده‌اند

چشم‌انداز Hope and Haven Refugees پنج‌سال آینده، ساختن شبکه‌ای قوی از آشپزخانه‌های جامعه‌محور، مراکز درمانی و فضاهای امن در اردوگاه‌های پناهندگان سودانی است: «این سازمان قصد دارد آموزش، توانمندسازی زنان و مشارکات ی‌پایدار را گسترش دهد تا پناهندگان نتنها زنده بمانند بلکه با کرامت زندگی خود را بازسازی کنند.» «سُدیا الرشید علی حمید» از رویای خود می‌گوید: «امیدوارم این سازمان الگویی شود برای نحوه تبدیل ناامیدی به تاب‌آوری، توسط ابتکارات مردمی و رهبری شده توسط خود پناهندگان.»

آزار جنسی سیستماتیک، علیه پدرسالاری سرمایه‌دارانه «تجلاء التوم»، شاعر و کنشگر سودانی، وضعیت کنونی زنان سودانی را برآمده از سیاست‌های پدرسالارانه، نواستعماری و خشونت ساختاری می‌داند. او که بر فمینیسم جنوب جهانی متمرکز است به «هم‌میهن» می‌گوید چگونه سعی کرده از طریق شعر و نوشتار انتقادی، بررسی کند که نیروهای قدرتمند چگونه تجربه‌های زیسته را شکل می‌دهند، به‌ویژه برای زنان و جوامع حاشیه‌ای در سودان و فراتر از آن. او می‌گوید: «همچون میلیون‌ها نفر از دیاسپورا سودانی، از دور نظاره‌گر هستم که چگونه این جنگ سرزمینم را نابود می‌کند، خانواده‌ام را آسیب می‌زند و آینده همسایگانم را درهم می‌شکند. رویای سودانی غیرمستعمره و شکوفا، از همیشه دورتر به‌نظر می‌رسد. این احساس عمیق فقدان، پایه‌ی کنشگری من است. همین است که مرا وادار می‌کند از صدایم برای تحلیل این وضعیت استفاده کنم.»

ورود تجلاء به حوزه حقوق زنان، برای عدالت‌جویی بوده و می‌گوید، «فرد مستقل» عمدتاً ساخته‌ای غم‌انگیز و غربی است که برای خدمت به سرمایه‌داری تولید شده است. «تجلاء التوم» درباره تأثیر جنگ بر زندگی زنان سودانی می‌گوید، مهم‌ترین تغییرات صرفاً افزودن سختی‌ها نیست، بلکه فروپاشی نظام‌مند تار و پود زنان است: «قحطی مهندسی‌شده محصول جانبی جنگ نیست، بلکه سلاح جنگ است. خانواده‌ها در سراسر سودان، از دارفور تا کوه‌های نویه، عمداً به گرسنگی کشیده می‌شوند و مردم سودان به نقطه یأس مطلق رسیده‌اند. زنان به‌عنوان مراقبان اصلی، بیشترین فشار را تحمل می‌کنند و ناچارند نظاره‌گر گرسنگی فرزندان‌شان باشند و انتخاب‌های غیرممکن برای یافتن وعده بعدی غذایی انجام دهند.»

او از معیشت زنانه‌ی روایت می‌کند که از بین‌رفته و کشاورزی کوچک‌مقیاس و کار روزمزد که امنیت غذایی فراهم می‌کرد، فروپاشیده است. به گفته او، گزارش‌ها نشان داده‌اند زنانی که به‌عنوان فروشنده غذا و چای کار می‌کنند، مرتباً توسط ارتش سودان (SAF) مورد حمله قرار می‌گیرند، به همدستی با نیروهای واکنش سریع (RSF) متهم می‌شوند و قتل فراقضایی به‌عنوان مجازات برای این زنان آسیب‌پذیر به کار گرفته می‌شود.

بی‌خانمانی و آوارگی هم بخش دیگری از بحران است: «زنان نتنها درآمد، بلکه خانه‌ها و حس اجتماع خود را از دست داده‌اند و به آوارگان داخلی یا پناهنده تبدیل شده‌اند.

این آوارگی استقلال‌شان را می‌گیرد و آن‌ها را کاملاً

تجهیزات، کلینیک‌های سیار) و حمایت روانی و درمانی است. حمایت بلندمدت هم شامل قدرتمند کردن جوانان و زنان از طریق آموزش مهارت‌ها، ایجاد فضاهای امن برای بازماندگان و ابتکارات جامعه‌محور مانند تولید صابون و آبیومه است. هدف سازمان همچنین بازسازی آموزش کودکان و تقویت کمیته‌های محلی است تا جوامع برای همیشه به کمک خارجی وابسته نباشند.»

«سُدیا الرشید علی حمید» درباره خشونت‌های جنسی و مبتنی بر جنسیت در جنگ سودان می‌گوید: «زنان پناهنده با خشونت‌های دیگری نیز مواجه‌اند؛ خشونت خانگی، ازدواج اجباری دختران جوان، آزار هنگام دریافت کمک و انگ اجتماعی. آن‌ها همچنین در دسترسی به آموزش، شغل و نقش‌های رهبری در اردوگاه‌ها تبعیض می‌بینند.» سازمان Hope and Haven Refugees برای حمایت از این زنان، یک مرکز بازیابی روانی ایجاد کرده که مشاوره و مراقبت روانشناختی به بازماندگان خشونت جنسی و تروما ارائه می‌دهد و فضاهای امنی فراهم کرده که زنان بتوانند گرد هم آیند، تجربه‌های خود را به اشتراک بگذارند و حمایت دریافت کنند: «با وجود منابع محدود، این سازمان با کادر پزشکی برای ارائه درمان اضطراری و ارجاع بیماران همکاری می‌کند. بزرگ‌ترین موانع برای بازماندگان، ترس از انگ اجتماعی، شرم، تلافی و عدم اعتماد به نهادهاست. بسیاری نگرانند که گزارش خشونت باعث رد شدن توسط خانواده یا حتی خطر بیشتر شود و فقدان خدمات ایمن، محرمانه و در دسترس، در اردوگاه‌ها مشکل بزرگی است.» سُدیا بر نقش جامعه بین‌المللی هم تأکید دارد: «باید به صدای زنان سودانی گوش دهند و آن را تقویت کنند، بوجه برای خدمات متمرکز بر بازماندگان فراهم کنند، مرتکبان خشونت را پاسخگو کنند و از سازمان‌های محلی رهبری‌شده توسط زنان حمایت کنند.» او پیامی هم برای زنان جهان دارد: «زنان سودانی فوق‌العاده مقاوم‌اند، اما نباید تنها بمانند. با ما باشید، درباره ما صحبت کنید و دولت‌ها و نهادهای خود را تحت فشار قرار دهید تا اقدام کنند. همبستگی قدرت دارد.»

چشم‌انداز Hope and Haven Refugees پنج‌سال آینده، ساختن شبکه‌ای قوی از آشپزخانه‌های جامعه‌محور، مراکز درمانی و فضاهای امن در اردوگاه‌های پناهندگان سودانی است: «این سازمان قصد دارد آموزش، توانمندسازی زنان و مشارکات ی‌پایدار را گسترش دهد تا پناهندگان نتنها زنده بمانند بلکه با کرامت زندگی خود را بازسازی کنند.» «سُدیا الرشید علی حمید» از رویای خود می‌گوید: «امیدوارم این سازمان الگویی شود برای نحوه تبدیل ناامیدی به تاب‌آوری، توسط ابتکارات مردمی و رهبری شده توسط خود پناهندگان.»

آزار جنسی سیستماتیک، علیه پدرسالاری سرمایه‌دارانه «تجلاء التوم»، شاعر و کنشگر سودانی، وضعیت کنونی زنان سودانی را برآمده از سیاست‌های پدرسالارانه، نواستعماری و خشونت ساختاری می‌داند. او که بر فمینیسم جنوب جهانی متمرکز است به «هم‌میهن» می‌گوید چگونه سعی کرده از طریق شعر و نوشتار انتقادی، بررسی کند که نیروهای قدرتمند چگونه تجربه‌های زیسته را شکل می‌دهند، به‌ویژه برای زنان و جوامع حاشیه‌ای در سودان و فراتر از آن. او می‌گوید: «همچون میلیون‌ها نفر از دیاسپورا سودانی، از دور نظاره‌گر هستم که چگونه این جنگ سرزمینم را نابود می‌کند، خانواده‌ام را آسیب می‌زند و آینده همسایگانم را درهم می‌شکند. رویای سودانی غیرمستعمره و شکوفا، از همیشه دورتر به‌نظر می‌رسد. این احساس عمیق فقدان، پایه‌ی کنشگری من است. همین است که مرا وادار می‌کند از صدایم برای تحلیل این وضعیت استفاده کنم.»

ورود تجلاء به حوزه حقوق زنان، برای عدالت‌جویی بوده و می‌گوید، «فرد مستقل» عمدتاً ساخته‌ای غم‌انگیز و غربی است که برای خدمت به سرمایه‌داری تولید شده است. «تجلاء التوم» درباره تأثیر جنگ بر زندگی زنان سودانی می‌گوید، مهم‌ترین تغییرات صرفاً افزودن سختی‌ها نیست، بلکه فروپاشی نظام‌مند تار و پود زنان است: «قحطی مهندسی‌شده محصول جانبی جنگ نیست، بلکه سلاح جنگ است. خانواده‌ها در سراسر سودان، از دارفور تا کوه‌های نویه، عمداً به گرسنگی کشیده می‌شوند و مردم سودان به نقطه یأس مطلق رسیده‌اند. زنان به‌عنوان مراقبان اصلی، بیشترین فشار را تحمل می‌کنند و ناچارند نظاره‌گر گرسنگی فرزندان‌شان باشند و انتخاب‌های غیرممکن برای یافتن وعده بعدی غذایی انجام دهند.»

او از معیشت زنانه‌ی روایت می‌کند که از بین‌رفته و کشاورزی کوچک‌مقیاس و کار روزمزد که امنیت غذایی فراهم می‌کرد، فروپاشیده است. به گفته او، گزارش‌ها نشان داده‌اند زنانی که به‌عنوان فروشنده غذا و چای کار می‌کنند، مرتباً توسط ارتش سودان (SAF) مورد حمله قرار می‌گیرند، به همدستی با نیروهای واکنش سریع (RSF) متهم می‌شوند و قتل فراقضایی به‌عنوان مجازات برای این زنان آسیب‌پذیر به کار گرفته می‌شود.

بی‌خانمانی و آوارگی هم بخش دیگری از بحران است: «زنان نتنها درآمد، بلکه خانه‌ها و حس اجتماع خود را از دست داده‌اند و به آوارگان داخلی یا پناهنده تبدیل شده‌اند.

این آوارگی استقلال‌شان را می‌گیرد و آن‌ها را کاملاً

